بررسی اطلاق روایت زهری در اجزاء صوم یوم الشک و تقیید روایت ابن خالد در عدم اجزاء

باب پنجم بودیم، روایات را تا روایت دوازدهم خواندیم که روایت ابن خالد بود. روایت سیزدهم و باب ششم را میخواستم عرض کنم؛ دو مطلب را افاده فرمودند و من به آنها اشاره میکنم. از این فرمایش معلوم میشود که اگر ذیل روایت ابن خالد بیشتر صحبت شود، جا دارد. در این برگهای که به من دادند، سه مطلب هست. به سومی آن بعداً میرسیم.

مطلب اول این است: فرمودند ما روایت زهری را دلیل گرفتیم بر توضیح روایت ابن خالد، در حالی که برعکس است چون روایت ابن خالد مقید و روایت زهری مطلق است؛ لذا طبق قانون حمل مطلق بر مقید، برعکس میشود.

> **عن الزهري، عن علي بن الحسين عليه السلام (في حديث طويل) قال وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟ قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره، فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه[1]**

میگوید روزه یوم الشک مطلقاً مجزی است. چه علت و شبهه باشد و چه نباشد. اما روایت معمر طبق ظاهر اولیاش، اخص مطلق است. این روایت میگوید اگر علت و شبههای نباشد، روزه یوم الشک مجزی نیست. خب آن روایت میگوید چه باشد و چه نباشد مجزی است، این روایت میگوید اگر علت و شبههای نباشد، مجزی نیست. پس طبق حمل مطلق بر مقید از آن بخش روایت زهری دست بر میدارد. این فرمایش ایشان در حمل مطلق بر مقید بود.

شاگرد: با تفسیری که شما فرمودید....

استاد: البته خودشان احتمالش را دادهاند که منظور شما تاویل بوده است؟! ببینید حضرت دنبالهٔ آن مطلق، علتی را آوردهاند که آن علت شامل مورد مقید هم هست. العلة تعمم و تخصص. حضرت فرمودند: «ان الفرض وقع علی الیوم بعینه». چون «وقع علی الیوم بعینه»، پس اعم از این است که شب‌ه باشد یا نباشد. اگر بنا شد استدلال منطقی کنیم، به این صورت می‌گوییم. بنابراین اینجا دیگر نص در اطلاق می‌شود. مطلقی نیست که آن را بر مقید حمل کنیم. تعلیل در مطلق، به‌گونه‌ای‌که شامل همهٔ قیود مطلق می‌شود؛ علتی برای مطلق است باطلاقه؛ این علت تعمم و تخصص.

شاگرد: یعنی اگر این تعلیل نبود، برعکس می‌فهمیدیم.

استاد: بله، اگر صرفاً بیان مطلق و مقید بود، به این صورت حمل می‌کردیم؛ یعنی روی بحثی که مشهور می‌گویند حمل می‌کنیم. این مطلب اول بود.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۴

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 11:03:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 11:04:59 توسط ... .